

جهانی یگانه و شاعری پیام آور: جبران خلیل جبران

دکتر غلامرضا وطن دوست

دانشگاه شیراز

چکیده:

جبران خلیل جبران در سال ۱۸۸۳ در دهکده‌ای کوچک از منطقه بشاری لبنان زاده شد و هم‌اکنون هفتاد سالی از مرگ او می‌گذرد اما همچنان تاثیر او چشمگیر است و زندگی‌اش برای خاص و عام در هاله‌ای از راز و نمادوارگی. مادرش - که دختر کشیشی بود و پایبند اصول و ارزشها بود - و میهنش لبنان، دیدارگاه شرق و غرب و جایگاه مدارا و آمیزش ادیان و مذاهب گوناگون، بر او تاثیر زیادی داشته‌اند. وی در سن شانزده سالگی به همراه مادر و دو خواهرش به آمریکا مهاجرت کرد و به زودی خودش را با محیط جدید تطبیق داد، به شهرت و نام‌آوری رسید. شهرت و شخصیت وی چنان بود که برخی از وی خداواره‌ای می‌سازند و برخی نیز او را شاعری مردم پسند و پیش پا افتاده می‌دانند. در این مقاله گوشه‌هایی از زندگی، شخصیت و آثار او مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، فهرست آثار عربی و انگلیسی و نامه‌های او، همچنین آثار مهمی که درباره او نوشته شده و نیز آثاری که از وی تا بحال به فارسی ترجمه شده است، معرفی شده است.

در آستانه نخستین سال هزاره‌نو، همراه با یگانه شدن جهان، و گرایش‌های «نوگرا» [مدرن] و «پسانو» [پست مدرن] که سرنوشت غرب را رقم زده و تا شرق دامن کشیده، تاثیر جبران خلیل جبران، که هفتاد سالی پیشتر چشم فرو بست، هنوز چشم‌گیر است. امروزه، او برای خاص و عام معنائی ست، چرا که زندگی‌اش - که در دهم آوریل ۱۹۳۱، بدان هنگام که تازه به سن ۴۸ سالگی رسیده بود به پایان رسید - در هاله‌ای از راز و نماد - وارگی فرو پوشیده شده.

جبران خلیل جبران، به سال ۱۸۸۳، در دهکده‌ای کوچک از منطقه بشاری کشور لبنان زاده شد. مطابق با سنت‌های مسیحیان مارونی پرورش یافت و مادرش که دختر کشیشی بود و پایبند ارزش‌ها و اصول استوار اخلاقی، اثری گران بر او نهاد. لبنان، قرن‌های قرن، دیدارگاه

همینکه پای جبران خلیل جبران به ایالت متحده رسید، خود را با محیط جدید و زندگی نوآئیش منطبق کرد. نمایشگاه هنری او در سن ۲۱ سالگی، شهرت و ارجی گران را در نخستین دهه قرن بیستم برایش به ارمغان آورد. دمدمای سی سالگی، او نه فقط نقاش بلکه نویسنده‌ای جا افتاده بود. همچنان که تعداد اعراب، بویژه کوچندگان لبنانی به ایالات متحده افزایش می‌یافت، جبران خلیل جبران، به ریاست انجمن قلم جنبش «مهاجر» ان شمال برگزیده شد (Badawi, P.98) و هموطن و یار غارش، میخائیل نُعیمه، به معاونت او درآمد. بعدها، میخائیل، یکی از جمله کسانی شد که پس از مرگ جبران، یکی از ماندگارترین زندگینامه‌های شاعر را نوشت.

پس از آنکه پیامبر، یکی از پرفروش‌ترین آثار جبران خلیل جبران، در سال ۱۹۲۳ منتشر شد، آوازه و نام‌آوری جبران چند برابر شد. به زودی کیشی برگرد او پدید آمد. و از آنروز تاکنون، به ویژه پس از مرگش، شمار دوستدارانش پیایی افزونتر شده. در سال‌های جنگ ویتنام، بویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نشانگان این کیش ابعادی گسترده‌تر یافت و فروش نسخه انگلیسی پیامبر، چندان فزونی گرفت که تاکنون ۹ میلیون از آن به فروش رسیده، وانگهی، این کتاب به اکثر زبان‌ها نیز ترجمه شده است.

پیامبر کتابی است کوچک که تعداد واژه‌هایش به ۲۰/۰۰۰ نمی‌رسد. برخی، آنرا خودنگاره یا حدیث نفس شاعر می‌دانند. جبران خود را در چهره المصطفی بازنگاری می‌کند که روی سخنش با مردم نیویورک (أرفالیس) است و سوی سخنش خود زندگی ست. اینجا دل‌داده‌اش، ماری هاسکل، (Mary Haskell) که دل‌بسته شورمند او و روزگاری نامزدش شمرده می‌شد، به چهره المیترا نمودار می‌شود که الهه الهام المصطفی است. پیامبر، گستره پهناوری از موضوعات گوناگون را در بر می‌گیرد: از عشق گرفته تا ازدواج، از دهش تا شادی و اندوه، از خرید و فروش تا آزادی، از نیک و بد تا نماز و دین، از کامجویی یا زیبایی و سرانجام مرگ.

دو عنوانی که دلمایه مدام اوست، یکی آزادی است و دو دیگر: مرگ. اولی، انگار بازگویی تلواسته اوست درباره فقدان آزادی که جان آدمیان را فرو می‌جود، از همین رو می‌گوید:

پس همانگونه که بردگان در برابر ستمکار خاکسارند و چاپلوس، گیرم که از دم تیغ بگذرانندشان، آوخ که در درختزار معبد و در سایه‌سار آرگ، آزادترین شما را دیده‌ام که آزادی شان، همچون پالهنک یا

(Gibran, The Prophet, P.51)

در بسیاری از مباحثی که شاعر در پیام‌بدان می‌پردازد، جبران خلیل جبران دستگاهی از دو پارگی‌های یگانه شده را فراهم می‌آورد، و بر این روال، «مرگ» را همچون پاره‌جدانشدنی «زندگی» می‌شمارد. همسان دوگان‌گرایی (یا ثنویت) زرتشتی، او زندگی و مرگ را همچون پاره‌ای از پیوستاری جاودانه می‌انگارد که نه آغازی دارد و نه انجامی. از چنین دیدگاهی، آزادی نیز نسبی است و آن سوی سکه‌بندگی. شاید این همه، به خوبی در «دو - سویگی‌های پادنما» (Paradoxical dichotomies)ی فلسفه‌خلیل جبران می‌گنجد که آمیزه‌ای است از فلسفه‌نو - افلاطونی، شورگرایی و مسیحیت، درآمیخته با چکمه‌ای از نوشداروی عرفان اسلامی.

جبران خلیل جبران، مردی بود خودساخته. به گفته‌شیلینجر، چنین مرد خودساخته‌ای که در عنوان عمر پا به آمریکا بگذارد و بتواند تا سی سالگی خود را به عنوان یک هنرمند به دهکده‌گرینیچ بشناساند و تا چهل سالگی، کیشی برگردد خود بیافریند، سزاوار عشق آمریکاییان می‌شود. (Schillinger, Pioneer of the New Age) اما شخصیت جبران، همان جبران اسطوره‌ای نیست. او مردی تنها بود (Waterfield, P.292) که «از خود اسطوره‌ای درآفکند، با مشاهیر طرح دوستی ریخت و با زنان سرو سری داشت.» دست کم، سه زن، نقشی عمده در زندگی‌اش ایفا کردند. نخستین شان ماری هاسکل بود که تا دم مرگ شاعر، رابطه‌ای صمیمانه با او داشت. (Bushrui and Jenkins, chapter one) حتی زمانی به نامزدی شاعر درآمد اما این دو هرگز ازدواج نکردند و سرانجام نیز به یکی از خواستگاران‌اش آری گفت. باربارایانگ، (Barbara Young) دومین یار او بود که تا دم مرگ جبران از وجود ماری هاسکل خبر نداشت. اما با برافتادن پرده، وی چنان از رابطه‌ی صمیمانه آن دو به خشم آمد که کوشید تا نامه‌های خصوصی ماری و جبران را از میان بردارد. همچنین، در سال ۱۹۴۵، وی زندگینامه‌ی مشروح جبران را تحریر کرد که به قولی: «داغی نازدودنی از گاف‌ها و گزاف‌ها بود بر پیشانی کاغذ.» (Waterfield, P.275) سومین زن، می‌زیاده (May Ziadeh) بود. شاعره‌ی تنهای فلسطینی که هرگز جبران را ندید اما زبان و اندیشه‌اش بسیار به او نزدیک بود. نامه‌های می‌زیاده به جبران، بارهای بار و سال به سال چاپ شده و موجود است. درباره‌ی می‌زیاده چنین

آمده است:

با این که مردان زیادی دوستدار او بودند، اما قلب او جز برای جبران خلیل جبران ننید و رغبت نشان نداد. میان این دو مکاتبه دل انگیزی وجود داشت که از سال ۱۹۱۲ تا دو هفته قبل از درگذشت جبران در سال ۱۹۳۱ ادامه داشت. برای این پژوهشگران ثابت شده است که پیوند میان این دو نویسنده نابغه، از یک علاقه متقابل شروع شد. و پیش از اینکه به عشقی غلیظ و مه آلود باگرایش صوفی متشانه مبدل شود، به دوستی فکری انجامیده است. ولی تقدیر چنین بود که این دو جز بر روی کاغذ باهم ملاقات نکنند. (الکزبری، «می زیاده وجدان زنانه ادبیات عرب» ص ۳۴)

سخن آخر این که: برخی، خداواره‌ای از جبران می سازند و برخی او را شاعری مردم پسند و پیش پا افتاده می شمارند. آن چه به یقین می توان گفت این است که او نیز بشری بود چونان دیگران. او در غربت برای دوستان آمریکایی اش از رفاه ایام کودکی اش لاف‌ها زده بود و سخت کوشیده بود تا دوستان هم میهنش را از همکاران و دوستان هنرمند ینگه‌دنیای اش دور نگه دارد. نیز کوشیده بود تا عادت میخوارگی اش را پنهان دارد. اما جبران، به راستی یک الکی بود. به قول رابین فیلد - که تازگی زندگینامه وی را نوشته - «خود او احتمالاً از چند و چون بیماری اش بی خبر بود. نزد افراد الکی، انکار اصل بیماری و عوارض جنبی آن، کاری است بس معمول». (Waterfield, P.269)

به گمان واترفیلد، جبران خلیل جبران، نمونه‌ای از دو پهلویی کسانی بود که در کشاکش میان دو جهان، یکی غرب و یکی شرق، گرفتار آمده‌اند. «تلاش او در طول عمر بر آن بود تا نقش شاعر و پیام آور را یگانه کند، و شرایط تاریخی چنان شقه‌اش کرد که نزد شرقیان به شاعری، و نزد غربیان به پیامبری شناخته شد.» با این همه، همین که به جذابیت و علاقه ژرفی نظر کنیم که جبران در سرتاسر جهان - و بویژه در ایران برانگیخته - بی شک به این نتیجه می‌رسیم که جایگاه او در شرق نیز فراسوی شاعری است. بلکه باید او را همچون پیام‌آوری بپذیریم که گرایش به سوی جهان یگانه و پدیدار شدن کلان شهرهای آینده - که چون واهمه‌ای آدمیان را فرا گرفته است - پیشگویی کرده بود؛ رؤیت یا بینایی شرایطی که جبران آنرا همچون بیماری اجتماعی انسان از پیش دیده بود. (Waterfield, P.283)

در غرب، منتقدان، جبران را همچون شاعری مردم پسند و پیش پا افتاده انگاشته‌اند. واترفیلد او را همچون شاعری توصیف می‌کند که «گاه ناتوانی اش برای تشخیص میان ابهام [رازواریگی] و ابهام، یا میان بی‌کرائگی و بی‌در و پیکری، دامچاله‌ای می‌شود که شاعر به

درون آن می افتد. « بساکسان، کیش او را برآمده از دوره جنبش هیپی های دهه ۱۹۷۰ می دانند. هر چه هست، در میهن خود - و کلا " در شرق - جبران بی شک هر دو مقام شاعری و پیام آوری را به چنگ آورده، و مردم پسندی اش روبه فزونی دارد، و شاهد آن، فروش آثار او یا آنچه درباره اوست.

آنچه در زیر می آید فهرست آثاری است از جبران - یا درباره جبران - که به عربی، انگلیسی و فارسی موجود است.

آثار عربی جبران خلیل جبران

الموسیقی (نیویورک: المهاجر، ۱۹۰۵)

عرائس المروج (نیویورک: المهاجر، ۱۹۰۶)

الأرواح المتمردة (نیویورک: المهاجر، ۱۹۰۸)

الأحنجة المنكرة (نیویورک: مرآة الغرب، ۱۹۱۲)

دمعة وابتسامه (نیویورک: اتلانتيك، ۱۹۱۴)

العواصف (قاره: ۱۹۲۰)

البدائع والطرائف (قاهره: يوسف البوستاني، ۱۹۲۳)

المواكب (نیویورک: ۱۹۴۷)

آثار انگلیسی جبران خلیل جبران

The Madman: His Parables and Poems (New York: Knopf, 1918).

Twenty Drawings (New York: Knopf, 1919).

The Forerunner: His Parables and Poems (New York: Knopf, 1920).

The Prophet (New York: Knopf, 1923).

Sand and Foam (New York, Knopf, 1920).

Jesus, the Son of Man (New York: Knopf, 1928).

The Earth Gods (New York: Knopf, 1931).

The Wanderer: His Parables and Sayings (New York: Knopf, 1932).

The Garden of the Prophet (New York:Knopf, 1933).

Lazarus and His Beloved and The Blind (Philadelphia: Westminster Press,1981).

Paintings and Drawings 1905-1930 (New York: Vrej Baghoomian, 1989).

نامه‌های جبران خلیل جبران

A Self-portrait, translated by Anthony R. Ferris (New York: Citadel Press,1959)

The Letters of Kahlil Gibran and Mary Haskell, edited by Annie S. Otto (Houston:Southern Printing Co.,1970).

Beloved Prophet: Love Letters of Kahlil Gibran and Mary Haskell, edited by Virginia Hilu (New York:Knopf, 1972).

Unpublished Gibran Letters to Ameen Rihani, translated by Suheil B. Bushrui (Beirut: World Lebanese Cultural Union, 1972).

Gibran: Love Letters, translated and edited by Suheil B. Bushrui and Salma H. al-Kuzbari (Oxford: Oneworld Publications, 1983) [This book was first published by Longman under the title Blue Flame: The Love Letters of Kahlil Gibran to May Ziadah]

مجموعه آثار (Anthologies)

(a) Translated by Juan R.I. Cole: *The Vision* (Ashland: White Cloud Press, 1994).

(b) Translated by Margaret Crosland (from French editions):

The Eye of the Prophet (London: Souvenir Press, 1995).

Visions of the Prophet (London:Souvenir Press, 1996).

(c) Translated by Anthony R. Ferris:

- Secrets of the Heart* (New York: Philosophical Library, 1947).
- Tears and Laughter* (New York: Philosophical Library, 1947).
- The Voice of the Master* (New York: Citadel Press, 1958).
- Thoughts and Meditations* (New York: Citadel Press, 1961).
- Between Night and Morn* (New York: Philosophical Library, 1972).
- (d) Translated by Andrew Ghareeb: *Prose Poems* (New York: Knopf, 1934).
- (e) Translated by Adnan Hydar and Michael Beard: a few Pieces in Salma Jayyusi (ed.), *Modern Arabic Poetry: An Anthology* (New York: Columbia University Press, 1987)
- (f) Translated by Joseph Sheban: *The Wisdom of Gibran: Aphorisms and Maxims* (New York: Philosophical Library, 1966)
- (g) Translated by John Walbridge:
- The Storm: Stories and Prose Poems* (Santa Cruz: White Cloud Press, 1993)
- The Beloved: Reflections on the Path of the Heart* (Ashland: White Cloud Press, 1994).
- (h) Translated by many of the above, various Pieces in: Suheil B. Bushrui (ed.), *An Introduction to Kahlil Gibran* (Beirut: Dar el-Mashreg, 1970).
- Gregory Orfalea and Sharif Elmusa (eds), *Grape Leaves: A Century of Arab American Poetry* (Salt Lake City: University of Utah Press, 1988).
- Robin Waterfield (ed.), *The Voice of Kahlil Gibran* (London: Penguin, 1995).
- Reproductions of manuscript extracts of several of Gibran's English works can be found in William Shehadi, *Kahlil Gibran: A Prophet in the Making* (Beirut: The American University of Beirut, 1991)

در بارہ جبران خلیل جبران

Suheil B. Bushrui, *Kahlil Gibran of Lebanon* (Gerrards Cross: Colin

- Smythe,1987).
- Suheil B. Bushrui (ed.) , *Kahlil Gibran: An Introductory Survey of his Life and His Work* (Ibadan: Ibadan University Press, 1966).
- Suheil B. Bushrui and Paul Gotch (eds), *Gibran of Lebanon: New Papers* (Beirut: Librairie du Liban, 1975).
- Suheil B.Bushrui and John Munro (eds), *Kahlil Gibran: Essays and Introductions* (Beirut: Rihani House, 1970).
- Shiv Rai Chowdhry, *Gibran: An Introduction* (Delhi: Javee and Co., 1970).
- M.S.Daoudi, *The Meaning of Kahlil Gibran* (Secaucus: Citadel Press, 1982).
- Joshua L.Ditelberg, *Kahlil Gibran's Early Intellectual Life, 1883-1908* (M. A. thesis, University of Pennsylvania, 1987).
- Joshua L.Ditelberg, *Kahlil Gibran: Wings of Thought*, in *A Third Treasury of Kahlil Gibran* (New York: Citadel Press, 1975).
- Jean and Kahlil Gibran, *Kahlil Gibran: His Life and World* (New York: Interlink Books, 1974).
- Suhail S. Hanna, *An Arab Expatriate in America: Kahlil Gibran in His American Setting* (PhD thesis, Indiana University, 1973).
- Khalil S. Hawi, *Kahlil Gibran: His Background, Character and Works* (Beirut: American University of Beirut, 1972).
- Yusuf Huwayyik, *Gibran in Paris* (New York: Popular Library, 1976).
- Wahib Kayrouz, *Gibran in His Museum*(Bsharri: Bacharia, 1995).
- Mikhail, Naimy, *Kahlil Gibran: A Biography* (New York: Philosophical Library, 1950).
- Annie S. Otto, *The Parables of Kahlil Gibran: An Interpretation of His Writing and His Art* (New York: Citadel Press, 1963).
- Annie S.Otto, *The Art of Kahlil Gibran: Visions of Life as Expressed by Author*

of *The Prophet* (Port Arthur: Hinds, 1965).

Martha J. Ross, *The Writing of Kahlil Gibran* (M.A. thesis, University of Texas, 1948).

Joseph Sheban, *Mirrors of the Soul* (New York: Philosophical Library, 1965).

Andrew D. Sherfan, *Kahlil Gibran: The Nature of Love* (New York: Philosophical Library, 1971).

Andrew D. Sherfan (ed.), *A Third Treasury of Kahlil Gibran* (New York: Citadel Press, 1975).

Barbara Young, *This Man from Lebanon* (New York: Knopf, 1945).

آثار فارسی

جبران، جبران خلیل. ارواح متمرّد. ترجمه هوشنگ مستوفی. مشهد: جاودان خرد، ۱۳۷۷.
جبران، جبران خلیل. اشکی و لبخندی و تندباده‌ها. ترجمه مسعود انصاری. تهران: جامی، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. آیینه‌های روح: شرح زندگینامه ژوزف شعبان. ترجمه حسین کیانی. تهران: آشیانه کتاب، ۱۳۷۸.

جبران، جبران خلیل. بالهای شکسته. ترجمه مسعود انصاری. تهران: مؤسسه نهادگذاری، مطالعات علمی و پژوهشی گویا، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. برانگیخته. ترجمه جواد هشترودی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

جبران، جبران خلیل. پیام آور. ترجمه شاپور مشعوف. تهران: نشر آبی، ۱۳۷۱.

جبران، جبران خلیل. پیامبر. ترجمه علی میرغفاری.

جبران، جبران خلیل. پیامبر. ترجمه عصمت افشار. لندن: انجمن فرهنگی کهکشان، ۱۹۹۹.

جبران، جبران خلیل. پیامبر. ترجمه مهدی مقصودی. مشهد: نشر برکه، ۱۳۷۲.

جبران، جبران خلیل. پیامبر. ترجمه حسین الهی قمشه‌ای. تهران: روزنه، ۱۳۷۸.

جبران، جبران خلیل. پیامبر و باغ پیامبر. ترجمه جعفر مویّد شیرازی. شیراز: دانشگاه شیراز،

۱۳۷۲.

جبران، جبران خلیل. پیامبر و چند اثر دیگر. ترجمه مجید شریف. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۶.
 جبران، جبران خلیل. پیامبر و دیوانه. ترجمه نجف دریابندری. تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۷.
 جبران، جبران خلیل. پیشرو و فرشتگان مرغزار. ترجمه محسن نیکبخت. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۵.

جبران، جبران خلیل. تازه‌ها و طرفه‌های ارواح سرکش. ترجمه مسعود انصاری. تهران: جامی، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. جلوه‌هایی از یک روح سرکش. بی‌جا، ۱۹۹۳.
 جبران، جبران خلیل. حمام روح. ترجمه حسن حسینی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، ۱۳۶۴.

جبران، جبران خلیل. دیوانه و ارواح سرکش. ترجمه محسن نیکبخت. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۵.

جبران، جبران خلیل. رازدل. ترجمه پریدخت عظیمیا. تهران: آبگینه، ۱۳۷۷.
 جبران، جبران خلیل. سه مردان و فرمانروایان زمین. ترجمه محسن نیکبخت. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. مشعکه لبود. ترجمه میهن‌دخت معتمدی. تهران: انتشارات وحید، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. عیسی فرزند انسان. ترجمه مسعود انصاری و نجمه موسوی. تهران: جامی، ۱۳۷۶.

جبران، جبران خلیل. گفتارهای درمانی. ترجمه آرام بام دژفرد. تهران: بهنام، ۱۳۷۷.
 جبران، جبران خلیل. لازاروس و باغ پنجره. ترجمه محسن نیکبخت. تهران: آبگینه، ۱۳۷۶.
 جبران، جبران خلیل. مواکب و موزونها. ترجمه جعفر مویدی شیرازی. تهران: نشر پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۹.

جبران، جبران خلیل. نامه‌های عاشقانه یک پیامبر.

جبران، جبران خلیل. ندای استاد. ترجمه فرامرز جواهری نیا. تهران: بدیهه، ۱۳۷۵.

جبران، جبران خلیل. نغمه‌های زندگی. ترجمه افشین هاشمی. تهران: محیط، ۱۳۷۵.

یاردنازک، سبا. نقد و تحلیلی بر قصیدہ مواکب سرودہ جبران خلیل جبران. ترجمہ محمد صادق شریعت. بی جا، ۱۳۷۱.

منابع و ماخذ:

الکزبری، الحفار. «می زیادہ وجدان زنانہ ادبیات عرب». حقوق زنان. ترجمہ حافظ نصیری. شماره ۱۷، (شہریور ۱۳۷۹)، ص ۳۴.

Badawi, M.M.ed. *Modern Arabic Literature*. Cambridge: University Press, 1994.

Bushrui, Suheil and Joe Jenkins. *Khalil Gibran: Man and Poet* Boston: oneworld Publishers, 1998.

Gibran Khalil. *The Prophet*. Newyork: Alfred A. Knopf, 1966.

Hiro, Dilip. *Dictionary of the Middle East*. London: Mac Millan Press Ltd. 1996.

Schillinger, Liesl. *Pioneer of the New Age. Two New Biographics of Khalil Gibran, the Lebanese Poet and Philosopher*. WWW. nytimes.

Com/books/98/12/13/reviews/98/2/3.13 Schillt.html. December 13, 1988.

Waterfield, Robin: *Prophet : The Life and Times of Khalil Gibran* . New York: st. Martin 's Press, 1998.